یکشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۲
شماره ۴۰۲۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

با تمرکز خبری روی تحولات غرب آسیا روسیه مواضعش در اوکراین را تثبیت کرد

جنگ در غزه، تثبیت در اوکراین

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

شاید این روزها ولودیمیر زلنسکی و پوتین آرزو می‌کردند کاش هیچ‌وقت وارد جنگ نمی‌شدند. آن دو استراتژی‌هایی برای موفقیت در جنگ داشته‌اند اما همه آنها تاکنون شکست خورده است. مسکو و کی‌یف، هزینه داده‌اند و تقریبا هیچ به دست نیاورده‌اند. چند ماه دیگر دومین سال جنگ نیز به پایان می‌رسد اما هیچ افق روشنی پیش روی طرفین نیست و همه از «بن‌بست» سخن می‌گویند؛ بن‌بستی که نه سلاح‌های متعارف روسیه توان بیرون کشیدن مسکو از آن را دارد و نه اوکراین می‌تواند با کمک حامیان غربی‌اش آن را از سر بگذراند. عملیات مقاومت اسلامی در غزه، این وضعیت را کمی پیچیده‌تر کرد و تمرکز و تسلیحات غرب را از کی‌یف، به سمت تل‌آویو سرازیر کرد. درحالی‌که جنگ در اوکراین و غزه ادامه دارد، نبرد دیگری در کنگره ایالات متحده در جریان است: «کدام کشور باید کمک مالی دریافت کند؟» در ماه‌های اخیر جمهوری‌خواهان کنگره نسبت به تصویب بودجه بیشتر برای دولت ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، شک و تردید فزاینده ابراز کرده‌اند. وضعیت امروز میدان نبرد، شیوع خستگی حاصل از امتداد جنگ، سرخوردگی شکست برای طرفین، عدم حمایت غربی‌ها از اوکراین، تحریم‌ها و فشارها علیه روسیه و... آینده جنگ را با پرسش‌های متعددی مواجه کرده است. اما پایان این جنگ چطور خواهد بود؟ با وجود اینکه هیچ‌یک از طرفین حاضر به تسلیم شدن نیست و احتمالا هیچ کدام نمی‌تواند در میان‌مدت با استفاده از تسلیحات متعارف، پیروز میدان شود، سناریوهای متعددی پیش روی تحلیلگران درباره پایان جنگ وجود دارد. اما هرچه هست، به نظر نمی‌رسد پیروز جنگ در میدان مشخص شود؛ همه چیز به مذاکراتی که زمزمه‌های آن به گوش می‌رسد، پیوند خورده است. اینکه آن توافق شامل چه چیزهایی خواهد شد، همچون سرنوشت جنگ، نامشخص و نامعلوم است.

ثبات نسبی در میدان جنگ

جنگ روسیه و اوکراین که از فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد، حالا با بن‌بست معناداری مواجه شده است. این بن‌بست و انحطاط در جنگ توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. با فرا رسیدن فصل سرما و بارش سنگین برف، شرایط جنگی میان دو کشور را همچون آب‌وهوای آن با نوعی «فریز» مواجه کرده است. حالا که اوکراینی‌ها خود را برای زمستان دیگر و حملات احتمالی روسیه به زیرساخت‌های حیاتی و همچنین وحشت مداوم شبانه از موشک‌ها و پهپادها به سمت شهرهای اوکراین آماده می‌کنند، دیگر خوش‌بینی شش ماه پیش مبنی بر شکست روسیه و بازگشت دونباس و کریمه می‌تواند امکان‌پذیر باشد، درحال محو شدن است. کرملین کنترل حدود ۱۸ درصد از خاک اوکراین را در اختیار دارد و اوکراین با وجود حمله بهاری در بازپس‌گیری این مناطق ناکام مانده است. مارس گذشته بود که «لوید آستین» وزیر دفاع آمریکا با وجود حمایت قابل توجه غرب، حمله بهاری ارتش اوکراین را «شانس خیلی خوبی برای موفقیت» می‌خواند. البته اظهارات عجیب‌تری هم از رئیس ستاد کل بریتانیا، ژنرال ریچارد دانات در رابطه با اهمیت حمله بهاری به گوش می‌رسید؛ او ادعا می‌کرد این حمله از جانب اوکراین توان «از بین بردن پوتین» را نیز خواهد داشت. اما واقعیت میدان طور دیگری رقم خورده و این عملیات با شکست مواجه شد. شان واکر در گاردین نوشته که «حمله بهاری مورد انتظار، توسط میادین مین و استحکامات غیرقابل نفوذ روسیه خنثی شده است.» شکست این عملیات اوکراین را با نوعی سرخوردگی و خستگی از جنگ مواجه کرده است؛ خستگی دو سال نبرد و تلفات مداوم در جبهه حاکی از نوعی توقف در جنگ است. عدم پیشرفت معنی‌دار اوکراینی‌ها در میدان نبرد همراه با هزینه‌های فزاینده جنگ برای کشور و حامیان غربی آن به‌طور فزاینده‌ای باعث حصول این نتیجه شده است که جنگ میان اوکراین و روسیه به سوی بن‌بست پیش می‌رود. جنگ اوکراین پس از جنگ جهانی به بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین بحران آوارگی در اروپا تبدیل شده است. بیش از هشت میلیون نفر به‌عنوان پناهنده به کشورهای همسایه گریخته‌اند و میلیون‌ها نفر دیگر در اوکراین آواره شده و به کمک‌های بشردوستانه فوری نیاز دارند. از طرفی اوکراین در حال استفاده از ذخایر کاملا محدود خود از نیروی انسانی، سلاح و مهمات است و غرب دیگر نمی‌تواند آنچه اوکراین نیاز دارد فراهم کند. تا این لحظه هیچ یک از طرفین حاضر به تسلیم شدن نیستند و هیچ یک نمی‌توانند در میان‌مدت پیروز شوند اما احتمال مذاکرات در سال آینده میلادی وجود دارد. کارشناسان به الجزیره گفته‌اند زمستان امسال احتمالا شاهد یک بن‌بست طولانی و خونین در اوکراین خواهند بود و هیچ یک از طرفین از تهاجم و ضدحمله عقب‌نشینی نمی‌کنند اما ممکن است این عملیات‌ها بذر مذاکرات را در سال آینده بکارد.

کارشناسان چه فکر می‌کنند؟

تد اشنایدر ستون‌نویس سایت «آنتی وار» و «موسسه لیبرتارین»۸ نوامبر در گزارشی در سایت اندیشکده آمریکایی «ریسپانسیبل استیت کرفت» درباره وضعیت اوکراین برای ادامه جنگ جدای از فشارهای روسیه، نوشته است: «زلنسکی هم از داخل اوکراین و هم از خارج با فشار مواجه است. فشار فزاینده از داخل هم از سوی رهبری سیاسی و هم از سوی رهبری نظامی وارد می‌شود. فشار فزاینده از خارج از سوی شرکای کلیدی اوکراین وارد می‌شود.» اشنایدر معتقد است مخالفت‌های داخلی با رئیس‌جمهور اوکراین بسیار عمیق و جدی است و زلنسکی برای مقابله با آنها مجبور شده ویکتور خورنکو، فرمانده نیروهای عملیات ویژه اوکراین را برکنار کند. او درباره عمق اختلافات نظامیان با رئیس‌جمهور اوکراین می‌نویسد: «تنش‌های زلنسکی با ژنرال‌هایش با مصاحبه زالوژنی با اکونومیست در اول نوامبر به اوج خود رسید. وی تاکید کرد که جنگ به «بن‌بست» رسیده است. او پذیرفت که «به احتمال زیاد هیچ پیشرفت عمیق و زیبایی وجود نخواهد داشت.» بدتر این است که زالوژنی به‌طور ضمنی گفت که بن‌بست به شکست اوکراین تبدیل خواهد شد.

زالوژنی در مقاله‌ای که به‌طور همزمان در اکونومیست منتشر شده گفته است در یک جنگ طولانی، اوکراین «حجم مورد نیاز» موشک و مهمات را در هرحال تمام خواهد کرد اما در مقابل روسیه، علی‌رغم تحریم‌ها، توانایی‌های افزایش تولید دارد. فرمانده نیروهای مسلح اوکراین می‌گوید حتی اگر سلاح‌ها و نفرات اوکراین نیز تمام نشود «جنگ فرسایشی» باعث می‌شود اوکراین قادر نباشد در ذخایر تسلیحاتی به برتری در برابر روسیه برسد. با این حال یکی از دستیاران نزدیک زلنسکی به تایم گفته است، حتی اگر ایالات‌متحده تمام تسلیحات مورد نیاز خود را به اوکراین بدهد، کی‌یف «مردانی برای استفاده از آنها را ندارد.» آمارها نیز حکایت از وخامت اوضاع اوکراین دارند. از جمعیت ۴۳ میلیونی اوکراین که در سال ۲۰۲۱ یک سال پیش از جنگ ثبت شده است براساس آمارهای منتشر در سایت «آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد» بیش از ۶٫۲ میلیون نفر تا جولای ۲۰۲۳ به‌عنوان پناهنده در سراسر جهان ثبت شده‌اند، نزدیک به ۵٫۱ میلیون نفر تا می ۲۰۲۳ در داخل اوکراین آواره شده‌اند و تعداد افراد نیازمند به کمک‌های بشردوستانه در سال ۲۰۲۳ به ۱۷٫۶ میلیون نفر می‌رسد.

علاوه‌بر وضعیت دشوار انسانی و اجتماعی، اوکراینی‌ها در حوزه نظامی نیز تحت فشارند. روز گذشته آلکسی آرستوویچ، مشاور سابق ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین اعلام کرد ارتش اوکراین در جریان جنگ کنونی با روسیه ۳۰۰ هزار نظامی را از دست داده است. یک روز پیش از او سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه اعلام کرده بود ارتش اوکراین در جریان ضدحمله شکست‌خورده‌ای که از ماه ژوئن علیه مواضع ارتش روسیه به اجرا گذاشت ۱۲۵ هزار سرباز و ۱۶ هزار واحد از «انواع تسلیحات» خود را از دست داده است. در مقابل ظرفیت‌های سوخته‌شده اوکراین روسیه همچنان دارای ظرفیت‌های بزرگی است. این وضعیت احتمال دارد غرب را برای جلوگیری از نفوذ بیشتر روسیه در خاک اوکراین، به پذیرش متصرفات فعلی مسکو وادارد. جیمی شی، عضو ارشد بخش صلح، امنیت و دفاع در اندیشکده بلژیکی «دوستان اروپا» و معاون سابق دستیار دبیرکل برای چالش‌های امنیتی نوظهور در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در گزارشی که به تاریخ ۲۴ نوامبر (۳ آذر) در سایت این اندیشکده منتشر شده نوشته است: «برای روسیه، برنده شدن همیشه به معنای از دست ندادن و حفظ ۱۷ درصد از اراضی اشغالی اوکراین بوده است تا زمانی که اوکراین به غیرممکن بودن بازپس‌گیری این قلمرو اعتراف کند و توان شرکای غربی کی‌یف برای حمایت از تلاش‌های جنگی اوکراین به پایان رسیده باشند.»

به عقیده این کارشناس ارشد: «روسیه می‌تواند بن‌بست طولانی‌مدت و جنگ فرسایشی دفاعی را تحمل کند که هم‌اکنون عملیات نظامی در اوکراین در این وضعیت قرار دارد.» شی می‌گوید: «مسکو احساس می‌کند وقت را همراه خود دارد [عنصر زمان به نفع روسیه است] و با توجه به اینکه کی‌یف قادر به دستیابی به یک پیشرفت بزرگ یا تعیین‌کننده نیست، غرب درنهایت بر دولت زلنسکی فشار خواهد آورد تا پای میز مذاکره بیاید و با امتیازات ارضی موافقت کند.»

مذاکره سرنوشت‌ساز

در فوریه ۲۰۲۲ روسیه به فروپاشی سریع نیروهای مسلح اوکراین امیدوار بود و اوکراین هم به پشتیبانی همه جانبه آمریکا و اروپا. نزدیک به دو سال از جنگ گذشته است و در این مدت نه آرزوهای روسیه محقق شد و نه امیدواری‌های کی‌یف. برای غرب بهترین اتفاق تداوم جنگ و فرسایش بیشتر توان نظامی و اقتصادی روسیه است، اما جنگ غزه و تبدیل آن به اولویت غرب و همچنین نگرانی‌های کشورهای اروپایی از توسعه جنگ باعث شده رهبران غربی بی‌سروصدا به رئیس‌جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی هشدار دهند که زمان به نفع کشورش نیست. آنها می‌خواهند هرچه زودتر از شر این جنگ خلاص شوند اما قربانی این پایان اوکراینی خواهد بود که تقریبا یک پنجم سرزمینش را از دست داده است. در ازای پایان دادن به جنگ، غرب چه چیزی می‌تواند به کی‌یف دهد؟ شاید در بعد اقتصادی، غرب بتواند قول تامین مالی بازسازی کامل کشور را از طریق توقیف دارایی‌های مسدود شده روسیه بدهد. اتحادیه اروپا می‌تواند وعده عضویت (احتمالی) را بدهد. در بعد امنیتی، ناتو می‌تواند عضویت کامل را با تضمین‌های حفاظتی که به همراه دارد، ارائه دهد. اما اعضای هر دو طرف اقیانوس اطلس از انتقال تعداد زیادی نیرو و تسلیحات به اوکراین و متعهد شدن به جنگ با روسیه در صورت ادامه حملات موشکی در سراسر کشور خودداری خواهند کرد. ایالات‌متحده می‌تواند در سال ۲۰۲۴ سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته‌تری را به اوکراین ارسال کند و رهبران ناتو می‌توانند از اجلاس هفتادوپنجمین سالگرد ژوئیه آینده برای تعهد در مورد عضویت اوکراین در آینده استفاده کنند.

شاید همین پیشنهادها زمینه‌ساز مذاکرات محرمانه دوطرف شده است. «سیمور هرش» خبرنگار آمریکایی اخیرا از قول منابعی مطلع اعلام کرد که فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه درحال گفت‌وگوهای خصوصی با هدف مذاکرات صلح هستند. او در مقاله‌ای با استناد به مقام‌های آمریکایی و افراد مطلع به اوضاع در دولت کی‌یف نوشت: «نیروی محرکه این گفت‌وگوها واشنگتن یا مسکو، یا جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا یا ولودیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه نبودند، بلکه درعوض دو ژنرال بلندپایه‌ای که جنگ بین روسیه و اوکراین را اداره می‌کنند یعنی «والری گراسیموف»، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح روسیه و «والری زالوژنی»، فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین هستند.» هرش همچنین از قول یکی از مقام‌های آمریکایی نوشت، زالوژنی، فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین از برگزاری مذاکرات با روسیه حمایت می‌کند. توافق احتمالی تصریح می‌کند که کریمه تحت کنترل روسیه باقی می‌ماند و در سرزمین‌هایی که توسط روسیه آزاد شده و سپس به این کشور ملحق شده‌اند، انتخابات برگزار خواهد شد. این روزنامه‌نگار آمریکایی همچنین نوشته است: «در عوض مسکو می‌تواند به اوکراین اجازه دهد که به ناتو ملحق شود با این شرط که ائتلاف ناتو باید متعهد شود که هیچ جایی برای سربازان این ائتلاف نظامی در خاک اوکراین وجود ندارد. این توافق همچنین به ناتو اجازه نمی‌دهد که تسلیحات تهاجمی‌اش را در اوکراین مستقر کند.»

جنگ چگونه به پایان می‌رسد؟

تعیین نتایج جنگ‌ها بسیار دشوار است زیرا تحولات دیگر می‌تواند نتایج مادی و یا برداشت‌ها از نتیجه جنگ را دچار دگرگونی کنند. آلمان در جنگ جهانی اول با پیمان برست-لیتوفسک جنگ در جبهه شرقی را برد اما تحولات جبهه غربی درنهایت برلین را شکست خورده جنگ کرد. انگلیس، فرانسه و رژیم صهیونیستی در جریان جنگ سوئز طی سال ۱۹۵۶ موفق شدند این کانال را به همراه شبه جزیره سینا اشغال کنند اما فشار آمریکا و شوروی به این دولت‌ها برای عقب‌نشینی باعث شد آنها درنهایت با عقب‌نشینی شکست ارضی و سیاسی را متحمل شوند؛ با این حال مصر به همراه آمریکا و شوروی طرف‌های برنده این جنگ بودند. دشمنان قاره شکست خوردند و مهم‌تر از آن واشنگتن و مسکو به همه اعلام کردند این ۲ دولت هستند که برای جهان تصمیم می‌گیرند نه لندن و پاریس.

وضعیت تعیین برنده و بازنده در جنگ اوکراین نیز به‌دلیل حضور سه طرف مجزا در این جنگ دشواری‌های خاص خود را دارد و می‌تواند شبیه وضعیت جنگ سوئز باشد. اوکراین، روسیه و غرب به‌طور کلی سه طرف حاضر در این جنگ هستند. این جنگ یا «یک پیروز و دو شکست خورده» و یا «دو پیروز و یک شکست خورده» دارد. برخی معتقدند اگر روسیه موفق به تثبیت متصرفات خود در جنوب اوکراین شود، اوکراین بازنده قطعی بوده، روسیه به‌دلیل دستیابی به سرزمین‌های بیشتر برنده و غرب نیز به‌خاطر فرسودن توان مسکو، دیگر پیروز جنگ خواهد بود. احتمال دارد برخی روسیه را با وجود متصرفاتش به‌دلیل تحمل هزینه‌ها و تبعات جنگ در کنار اوکراین، بازنده جنگ معرفی کنند. در این صورت روسیه و اوکراین دو بازنده و غرب تنها پیروز جنگ خواهد بود. همچنین درصورتی‌که عده‌ای دستیابی روسیه به جنوب اوکراین و از بین بردن بازدارندگی آمریکا در اروپا را شکست غرب تلقی کنند، اوکراین و غرب دو بازنده و روسیه تک برنده جنگ خواهد بود. با این حال اگر اوکراین موفق شود با ضربات سنگین روسیه را از جنوب خاک خود خارج کند، اوکراین و غرب دو برنده جنگ و روسیه تک بازنده آن خواهد بود. سناریویی که تحقق آن با توجه به شرایط، دور از انتظار است؛ چه اینکه درصورت رسیدن به آستانه این نقطه احتمال دارد روس‌ها به سمت گزینه‌های مخاطره‌آمیزی مانند استفاده از سلاح هسته‌ای علیه اوکراین اقدام کنند. درنتیجه می‌توان گفت سناریوهایی واقع‌بینانه‌اند که در آن اوکراین پای ثابت بخش بازنده‌هاست. با این وجود تعیین برنده یا بازنده بودن روسیه و آمریکا در سناریوهایی که اوکراین پای ثابت بازنده‌هاست، بسیار دشوار است.

«طوفان الاقصی» باعث قرارگرفتن منطقه در آستانه روندهای جدیدی شده که ریشه آنها بروز کمبود مهمات در سرزمین‌های اشغالی است

فلسطین اشغالی عرصه دستخوانی از آمریکا

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

دور نخست جنگ «طوفان الاقصی» که ۴۸ روز به طول انجامید، نشان داد رژیم صهیونیستی در حوزه ذخیره‌سازی و تولید «مهمات» دچار مشکل است. رژیم با نزدیک به ۴۰۰ جنگنده عملیاتی و چهار هزار تانک و تعداد بیشتری نفربر و خودروهای زرهی، کمبودی به لحاظ تسلیحات و حتی قطعات مصرفی ندارد، بلکه مشکلاتش متمرکز بر حوزه «مهمات» است. این پدیده نیز نه در نبرد با چندین جبهه، بلکه در جریان نبرد با باریکه غزه با وسعت ۳۶۰ کیلومتر مربع رخ داده است. این موضوع دلایلی دارد.

۱. نیاز به بمباران و گلوله‌باران چندباره

ارتش رژیم پیش از ورود زمینی به نوار غزه تلاش کرد زیرساخت‌های نظامی مقاومت در این منطقه مانند تونل‌ها و مراکز ذخیره‌سازی و تولید سلاح را با بمباران، نابود یا ناکارآمد سازد. گلوله‌باران‌ها که برای آماده‌سازی برای پیشروی زمینی صورت می‌گرفتند، در ادامه نیازمند تجدید بودند زیرا احتمال داشت نیروهای حماس مجددا از طریق تونل یا حتی سطح زمین به مناطقی که پیشتر بمباران شده بودند بازگشته و در آنها کمین کنند. این نیاز مداوم به بمباران و گلوله‌باران باعث شد تا رژیم صهیونیستی دچار کمبود مهمات شود. از همین رو تهاجم رژیم به غزه را نمی‌توان جنگ با یک منطقه کوچک دید زیرا نیاز به تعدد حملات، وسعت آن را درحال حاضر غیرقابل محاسبه کرده است. به گزارش وال استریت ژورنال، آمریکا برای کمک به رژیم در حین جنگ و پرساختن ذخایر مهمات رژیم حدود ۱۵۰۰۰ بمب و ۵۷۰۰۰ مهمات توپخانه برای تل‌آویو ارسال کرده است.

۲. جغرافیای وسیع جنگ

رژیم در جریان جنگ از چهار جبهه خارجی لبنان، سوریه، عراق و یمن مورد حمله قرار گرفته که به‌طور مستقیم به لبنان و سوریه واکنش نظامی نشان داده و آمریکا نیز به‌طور رسمی در عراق دست به اقدام زده است. وسعت این چهار کشور که از آنها حملاتی علیه رژیم صورت گرفته درمجموع یک میلیون و ۶۰۸ هزار کیلومترمربع است که ۴۰ هزار کیلومترمربع (۲٫۵ درصد) از وسعت ایران کوچک‌تر است. گروه‌های مقاومت در تمام این جغرافیا مستقر نیستند اما وسعت محدوده کشوری محل استقرارشان، می‌تواند وسیع بودن جبهه فعال شده در مقابل رژیم را نشان دهد. صهیونیست‌ها برای عملیات در این جبهه‌ها به صورت زمینی (لبنان و سوریه) و هوایی (عراق و یمن) باید آمادگی‌های لازم را داشته باشند که به لحاظ تسلیحاتی تقریبا آمادگی آن را دارند، به جز جبهه یمن که فاصله‌ای بسیار زیاد از فلسطین اشغالی دارد. با این حال این آمادگی به لحاظ مهمات وجود ندارد.

۳. محدودیت فضای انبار مهمات

فلسطین اشغالی ۲۷ هزار کیلومترمربع وسعت دارد که شش هزار کیلومترمربع آن را کرانه باختری و غزه تشکیل می‌دهد که برای ذخیره‌سازی مهمات مطمئن نیستند. در فضای باقی مانده نیز مناطق مرزی برای ذخیره‌سازی سنگین سلاح، امن نبوده و از این رو صهیونیست‌ها با محدودیت فضا برای این امر مواجهند.

راهکارهای آمریکا برای حل مساله

بروز مشکل کمبود مهمات در رژیم صهیونیستی می‌تواند دو پیامد داشته باشد که در هر دو آمریکا نقش اصلی را دارد. نخست تلاش برای «ایجاد کانال امن انتقال مهمات» به سمت فلسطین اشغالی و دوم «افزایش اقدامات نظامی آمریکا».

۱. ایجاد کانال امن انتقال مهمات

آمریکا در این حوزه دارای سابقه است و برای اولین بار در جریان جنگ اکتبر ۱۹۷۳ دست به انتقال کمک‌های نظامی به صورت فوری به رژیم زد. در آن برهه این کمک‌ها تنها شامل مهمات نمی‌شدند و سلاح‌هایی مانند جنگنده را نیز در بر می‌گرفتند زیرا مصر و سوریه در این جنگ با موشک‌های پدافند هوایی موفق شده بودند ده‌ها جنگنده رژیم را سرنگون کنند. اگر آمریکا چنین کانالی را ایجاد کند، باید از خاک اردن یا بنادری مانند حیفا و ایلات این اقدام را انجام دهد که خود مخاطراتی مانند هدف‌گیری بنادر یا ایجاد التهاب در روابط کشورهای اسلامی را به دنبال دارد.

۲. ورود مستقیم‌تر آمریکا

درصورتی‌که انتقال مهمات یا سلاح به رژیم صهیونیستی به اندازه‌ای که لازم است مقدور نباشد، احتمال دارد آمریکا با اتکا به پایگاه‌هایش و همچنین هراس ذهنی دیگران از این کشور، برای کاهش تنش‌ها دست به اقدام مستقیم بزند. این ورود مستقیم برای آمریکا خطراتی دارد.

هشدارها

صهیونیست‌ها تاکنون در جریان طوفان الاقصی تنها نیازمند مهمات بوده‌اند اما اگر کار به جایی برسد که آمریکا علاوه بر آن، سلاح‌هایی مانند خودروهای زرهی یا هواگرد برای رژیم ارسال کند، یعنی آمریکا قصد گسترش دایره جنگ به خارج از فلسطین اشغالی را دارد. در این صورت باید دید آیا جبهه مقابل انتظار را برمی‌گزیند یا «۷ اکتبر» دیگری در جایی متفاوت به اجرا درمی‌آورد. پیش از این منابع آگاه اعلام کرده بودند رژیم صهیونیستی قصد داشته به غزه حمله کرده و با یکسره کردن کار این منطقه، جنگ را به لبنان یا سوریه بکشاند از این رو عملیات ۷ اکتبر به اجرا درآمد. این یک رویه است و احتمال دارد اگر غرب بر این مسیر اصرار کند، رویه ۷ اکتبر بار دیگر تکرار شود. آنچه در این مسیر آمریکایی‌ها بر آن امید بسته‌اند «تردید» است که با افزایش تهدیدات نظامی واشنگتن می‌تواند در محور مقاومت القا شود. با این حال واشنگتن مطمئن نیست تردید در طرف مقابل ایجاد شود زیرا غرب آسیا زمین استقرار محور مقاومت است و آخرین نقطه برای دفاع به حساب می‌آید و چاره‌ای جز دفاع از آن وجود ندارد، همانند روسیه که اوکراین را آخرین نقطه دفاع تلقی کرد. با این وجود غرب آسیا برای آمریکا نقطه حیاتی نیست ولی ریسک بزرگی به شمار می‌رود. اگر واشنگتن تصمیم به مداخله در غرب آسیا بگیرد با توجه به سختگیری‌های طرف مقابل جنگی طولانی در پیش دارد. این طولانی بودن به این معناست که اگر پیروزی قابل دستیابی باشد، دیرهنگام حاصل خواهد شد اما شکست‌های زودهنگامی را در رقابت‌های شرق آسیا و شرق اروپا به واشنگتن تحمیل می‌کند. جنگ غزه محیط «دستخوانی» آمریکاست. تحرکات واشنگتن در داخل جغرافیای فلسطین اشغالی مانند سفر پیاپی سیاستمداران و رهبران در کنار ارسال مهمات به معنای تلاش آنها برای حفظ موجودیت رژیم است. حرکت آمریکا به سمت ارسال تسلیحات نظامی مانند هواگرد و خودروهای زرهی نشان دهنده نیت واشنگتن برای گسترش جنگ خواهد بود و دست زدن این کشور به اقدامات نظامی در منطقه حکایت از تبدیل شدن آمریکا به سپر بلای رژیم خواهد داشت. هرکدام از این شرایط، پاسخ‌های متناسبی دارد. تلاش برای حفظ موجودیت رژیم پاسخ‌هایی در داخل فلسطین اشغالی داشته، تلاش برای ارسال سلاح برای تل‌آویو می‌تواند منجر به تکرار ۷ اکتبر علیه رژیم شده و درنهایت تبدیل شدن واشنگتن به سپر بلای تل‌آویو، ضربات سنگین‌تر به آمریکا را به دنبال دارد که نتیجه طبیعی ورود صریح آمریکایی‌ها به یک درگیری است. سطح یک، روالی عادی در جنگ علیه رژیم است. سطح دوم وقوع یک اتفاق شگفت‌آور علیه تل‌آویو بوده و در سطح سوم، آمریکا به انتخاب خود وارد مخمصه خواهد شد.